

## رویکرد تربیتی تزکیه و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی اسلامی

an-faghihi@qom.ac.ir

علی نقی فقیهی / دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

### چکیده

هدف پژوهش، بررسی رویکرد تربیتی تزکیه در روایات و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی اسلامی است. روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که روایات مربوطه با شیوه کیفی تحلیل شده‌اند. از نتایج پژوهش آن است که توأم بودن تهذیب و رشد در این رویکرد، سبک زندگی اسلامی را سامان می‌دهد و در محور ارتباط با خدا، موجب غفلت‌زدایی و رشد شناخت و باور به قوانین الهی، بندگی، شکر و رضایت نسبت به تدبیرهای پروردگار است؛ در محور خویشتن، عامل پرهیز از رفتارهای ضداخلاقی، پرورش عقلانیت، بازشناسی و بازسازی فطرت است. و در محور ارتباط با دیگران، باعث پرهیز از رفتارهای ضداخلاقی نسبت به دیگران، تسری دادن تولی و تبیری به گستره افراد بشر با محوریت خداوند، تکریم و حسن معاشرت است و در محور جهان هستی، تنزه متری از افکار غیرعقلانی درباره افعال خداوند، مصون ماندن از آسیب زدن به طبیعت و جلوگیری نکردن از بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب طبیعی، شناخت بهتر طبیعت و جهان هستی و مسئولیتش درباره عمران طبیعت، و بهره‌برداری صحیح و به اندازه از نعمت‌های الهی است.

**کلیدواژه‌ها:** رویکرد تربیتی، تزکیه، تهذیب و رشد، کاربرد، سبک زندگی اسلامی.

در اسلام، رویکرد تربیتی برای ایجاد سبک زندگی و پرورش مناسبات فرد با خدا، خویش، انسان‌ها و دیگر موجودات جهان، رویکرد تزکیه است؛ زیرا خدای حکیم فطرت آدمی را از مجموعه گرایش‌ها، ادراکات و توانمندی‌ها، در راستای اهداف تکاملی انسان سرشته است، برقراری بهینه این مناسبات در زندگی می‌تواند او را به اهداف والای تربیتی هدایت نماید. به عبارت دیگر، تربیت صحیح بدون شکوفایی این مناسبات و به فعلیت رساندن آنها در زندگی انسان امکان‌پذیر نیست؛ از این رو مطابق آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام به کارگیری نظام‌مند و مرتبط با هم این مناسبات چهارگانه، اساس نظام تربیتی را تشکیل می‌دهد (گیلانی، ۱۳۸۷، ص ۵). تمام تحولات رشدی که به تدریج در راستای اهداف تربیتی هماهنگ با اهداف آفرینش در آدمی پدید می‌آید، از این چهار محور بیرون نیست. در حقیقت، پرورش مطلوب این محورهای چهارگانه است که به سبک زندگی انسانی می‌انجامد و رشد و بالندگی سعادت‌مندانه را در زندگی فردی، اجتماعی و زیست محیطی موجب می‌گردد. این مناسبات چهارگانه، با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و باید به صورت همه‌جانبه در متربی رشد یابند و می‌توان گفت که روابط صحیح در یک بعد بدون دیگری، آن رابطه‌ای نیست که رغبت فطری به آن است. از این روست که تحقق برخی از این روابط، حتماً به تحقق روابط دیگر می‌انجامد و بدون آنها این رابطه عملی نمی‌شود؛ مثلاً رابطه تقوایی انسان با خدا، در بسیاری از روابط فرد با انسان‌های دیگر، مانند راستگویی، ادای امانت، وفای به عهد، صلح رحم، دستگیری از نیازمندان و ضعیفان، حسن خلق تبلور می‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۸۲). این نوع آموزه‌ها حاکی از آن است که این مناسبات در نظام ارتباطی انسان، به هم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و برای محقق ساختن هر دسته از این مناسبات در زندگی، از دسته‌های دیگر، نیز باید کمک گرفت و آنها را نیز شکوفا ساخت.

در آموزه‌های اسلامی، رویکرد تربیتی برای عملیاتی ساختن محورهای فوق در سبک زندگی، رویکرد تزکیه است. این مقاله درصدد است به رویکرد تربیتی تزکیه و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی بپردازد.

### مفهوم‌شناسی تزکیه

واژه تزکیه از ریشه «زکو» به معنای نمو و طهارت دانسته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۱۷). راغب اصفهانی، نیز ریشه اصطلاح قرآنی زکاة را به معنای رشد ذکر کرده و تزکیه نفس انسان را به این می‌داند که رشدی در انسان پدید آید که در دنیا دارای اوصاف محموده شود و در آخرت از اجر و ثواب برخوردار گردد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۱) علامه طباطبایی می‌نویسد: کلمه «تزکیه» که مصدر «یزکیهم» است، مصدر باب تفعیل بوده و مصدر ثلاثی مجرد آن «زکات» است، که به معنای نمو صالح است، نموی که خیر و برکت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۵). ایشان گرچه ذیل آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

تَزَكِّيَّ» (اعلی: ۹) تزکیه را به معنای در جست و جوی پاک شدن دانسته (همان، ج ۲۰، ص ۲۷۰)، ولی آن را تربیت و انمای صالح نامیده است (همان، ص ۲۹۸).

واژه تزکیه در کتاب‌های لغت، کتب تفسیری قرآن و روایات به دو مفهوم رشد و تهذیب، با هم استعمال شده است و به تعبیری لازم و ملزوم هم هستند. حتی کسی که معنای اصلی این ماده را دور ریختن چیزی که حق نیست (مانند: از بین بردن صفات رذیله از قلب)، می‌داند، مفاهیم رشد، افزایش و اصلاح را از لوازم و آثار تزکیه دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۳۸).

### رویکرد تربیتی تزکیه

رویکرد، طرز تفکر و عملکردی است که در آن تمامی توجه و اقدامات بر امری خاص متمرکز شود (معین، ۱۳۸۵، ج ۲، لغت رویکرد) و به عبارت دیگر، الگوی فکری که موضوعی را با برداشت خاصی مورد توجه قرار می‌دهد، رویکرد است که در عربی به آن اتجاه گفته می‌شود (عبادی، ۱۳۹۵، ص ۲۵).

منظور از رویکرد تربیتی تزکیه، طرز فکر و نوع نگاه تربیتی است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارد. این رویکرد مبتنی بر فطرت است. میل به حفاظت خویش از زشتی‌ها و گرایش به تکامل و تعالی، دو خواسته فطری بشر است که مبنای این رویکرد است. در این رویکرد، سیستمی تعبیه شده است که متربی با انتخاب و مسئولیت خویش می‌تواند بر روی فعالیت‌هایش کنترل مداوم داشته باشد تا به صورت مستمر، وی را تعالی و رشد ببخشد و از انحراف در مسیر حرکت مصون نگه دارد.

### رویکرد تربیتی تزکیه در قرآن و آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام

واژه تزکیه با مشتقات گوناگونش، ۲۵ بار در قرآن کریم به کار رفته است. و مکرر (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲)، تزکیه از اهداف ارسال انبیا و راه رسیدن به هدف قرب و فلاح و رستگاری (شمس: ۹) و بهره‌مندی از بهشت‌های آخرتی (طه: ۷۶) مطرح شده است. مفهوم تزکیه پاک‌سازی از آلودگی‌ها و پرورش همه‌جانبه و با هم است و مفسران آن راه، هم به معنای افزایش تقوا (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۸۹) و هم به معنای پاک و اصلاح کردن نفس گرفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۳۵۲). بنابراین رویکرد تربیتی قرآن رویکرد تزکیه است که دو جنبه تهذیب و رشد را با هم مطمح نظر دارد.

رویکرد تربیتی در آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام نیز رویکرد تزکیه است. در آموزه‌های هادیان و مربیان الهی، واژه تزکیه و مشتقات آن و واژه‌هایی که به ابعاد معنایی تزکیه اشاره دارند، بسیار زیاد به کار رفته است. شاید بتوان گفت کمتر واژه‌ای به اندازه واژه تزکیه در روایات تکرار شده است. فقط در کتاب *بحار الانوار* حدود هزار بار از تزکیه و مشتقات آن استفاده شده است. در این روایات، هم تهذیب از آسیب مصداق تزکیه

دانسته شده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۷۱) و هم رشد افزایش توانمندی‌ها (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۸) و به‌ویژه پرورش توانمندی عقلی مطرح گردیده است (همان، ص ۳۱۶). برای مثال، طهارت نفس و رشد، توأم شرط جلب نظر و رحمت خداوند دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۸۸) یا گفته شده در تزکیه مراقبه وجود دارد که بر اساس آن، انسان باید همواره نفس خود را به حساب کشد؛ به گونه‌ای که اگر کار نیکی از او سر زد، خدا را سپاس گوید و آن را توفیقی از جانب او بداند؛ و اگر قصد معصیتی کند، عظمت مرا یاد آورد و متوجه من باشد و به این جهت آن را ترک کند (نراقی، ۱۳۸۵، ص ۶۲۱). در تزکیه، حق‌گرایی و پایبندی عملی به احکام الهی، محور است. امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> در حدیثی فرمودند: «حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> از خداوند پرسید: آنها که در قیامت در سایه عرش تو به سر می‌برند، چه کسانی‌اند؟ فرمود: «آنان که در تزکیه، به رشد و طهارتی رسیده‌اند که غیر حق را نمی‌نگرند و نمی‌خواهند و از هیچ اطاعتی از پروردگار دریغ نمی‌ورزند» (برقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۹۷).

### ابعاد تربیت تزکیه

در تربیت تزکیه، زمینه‌های تغییر پایدار جهت اهداف معین همراه با طرح و نقشه مشخص بسترسازی می‌شود. این بسترسازی در دو جنبه انجام می‌شود: یکی در پاک‌سازی و پالایش از زشتی‌ها، ناتوانی‌ها، زبان‌ها، وهمیات و غیرواقعیت‌هاست و دیگری در رشد ارتقایی و آراستن به توانمندی‌ها، ارزش‌ها، واقعیت‌ها و سعادت‌مندی‌هاست. این دو با هم می‌توانند تغییرات متعالی و مطلوب نسبتاً پایدار را در متربی پدید آورند. رسیدن به اهداف عالی‌تر تربیتی، بدون آن دو میسر نیست. امام علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: به اوج اهداف نمی‌رسند، مگر کسانی که هم تهذیب نفس را دارند و هم در مسیر رشد، بسیار تلاش می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۷۱). در چنین وضعیتی متربی شایستگی نگهداری و بهره‌برداری هر یک از سرمایه‌های مادی و معنوی زندگی را که به او سپرده شده، می‌یابد و پیوسته پیشرفت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰ و ۱۵۳). در سایه تربیت تزکیه می‌توان به خوبی سرمایه‌ها را مدیریت کرد و به بهره‌برداری رساند. این تربیت تزکیه، همان مدیریت بهینه خویش و سرمایه‌های آن است که در تعبیر امام علی<sup>علیه السلام</sup> برترین مدیریت دانسته شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۰۰).

### سبک زندگی

«سبک» در لغت به مفهوم نوع، روش، طرز و شیوه (معین، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۱۸)، شکل دادن یا طراحی چیزی که با معیار شناخته شده هماهنگ باشد، آمده است (آریان‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲). سبک زندگی به «روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی» یا «مجموعه‌ای منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی که مبتنی بر یک سری بینش‌ها و ارزش‌های برآمده از آنهاست، گفته می‌شود»

(مهجوی کنی، ۱۳۹۰، ص ۵۱). همچنین به الگوهای رفتاری آحاد جامعه در حوزه‌های مختلف زندگی که برآمده از پیش و گرایشی خاص است، «سبک زندگی» اطلاق می‌شود (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲، ص ۶۷). سبک زندگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی در هر جامعه است (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۷). سبک زندگی اسلامی، الگوی و نحوه‌ای خاص از زندگی مبتنی بر معنویت و هدایت الهی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳) که در چهار محور ارتباطی فرد با خدا، خود، جامعه و نظام هستی تبلور می‌یابد.

### کاربرد رویکرد تربیتی تزکیه در سبک زندگی اسلامی

از منظر قرآن و روایات، سبک زندگی اسلامی در محورهای چهارگانه با رویکرد تزکیه شکل می‌گیرد. اینک با توجه به اینکه تزکیه از منظر قرآن و روایات، دارای دو بعد تهذیبی و رشدی است، کاربرد آن را در محورهای چهارگانه سبک زندگی، در دو بعد تهذیب و رشد بررسی می‌کنیم.

#### محور اول: ارتباط با خدا

سبک زندگی آدمی در ارتباط با خدا دارای دو بعد تهذیب و رشد است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

#### الف. بعد تهذیب

تزکیه، سبک زندگی آدمی را در ارتباط با خدا به گونه‌ای شکل می‌دهد که:

۱. متری تلاش کند غفلت از یاد خدا را در خویش بزداید؛ زیرا غفلت، از بزرگ‌ترین دشمنان انسان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۵) و مایه گمراهی افکار و سرلوحه نحوست‌هاست (همان، ص ۷۵) و زندگی را با سختی همراه خواهد کرد (طه: ۱۲۴). غفلت‌زدایی زمینه را برای توجه به پروردگار، پرورش روح انسان و انجام کارهای شایسته فراهم می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: ریشه اصلاح قلب (و تهذیب نفس) اشتغال به یاد خداست (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۸) و نیز فرمود: هر کس قلب خود را با یاد پیوسته الهی آبادان کند، اعمال او در پنهان و آشکار نیکو می‌شود (همو، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۸۷) و در نهایت، تداوم یاد خدا غذای روح و کلید رستگاری و سعادت است (همان، ج ۶، ص ۱۳۷).

۲. متری از مخالفت با هدایت‌ها و قوانین پروردگار پرهیز نماید؛ زیرا گناه موجب ناراحتی در زندگی می‌شود و در آرامش روحی اختلال ایجاد می‌کند و حتی چه بسا بیماری و مرگ را موجب می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۳).

۳. متری از لغزش‌ها توبه کند و گناهان خود را بشوید (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۳)؛ زیرا در تربیت تزکیه‌ای، به بندگان خدا آموزش داده می‌شود که خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد (بقره: ۲۲۲). پروردگار آمرزنده و مهربان است (حجر: ۴۹) و توبه از معاصی، سرمایه سالکین و کلید استقامت در راه دین و ایمان، و موجب محبت حضرت باری، و سبب نجات و رستگاری است (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۶۰۷).

ب. بعد پرورش رشدی

تزکیه، سبک زندگی آدمی را در ارتباط با خدا ارتقا می‌دهد و موجب می‌شود:

۱. توانمندی ادراکی فطری از خداوند افزایش یابد و علم متربی به صفات خداوند، از قبیل بی‌نیازی، شنوایی، دانایی، توانایی، عدالت، خالقیت و اینکه هیچ کس و هیچ چیزی مانند او نیست و وجودی منحصر به فرد دارد و شریک و ضدی هم ندارد، ارتقا داده شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۷-۴۲۸)؛ زیرا متربی در تربیت تزکیه‌ای کوشش برای شناخت هرچه بیشتر از خدا را از بهترین اعمال تربیتی می‌داند که سعادت و قرب الهی را به دنبال دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ح ۲۲۸).

۲. در آیات الهی تفکر کند و آن را عبادت بداند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۲) و کمترین لحظه آن را بهتر از یک سال عبادت تلقی می‌نماید و زشتی‌ها و خوبی‌ها را نشان دهد (منسوب به امام رضا<sup>علیه السلام</sup>، ۱۴۰۶، ص ۳۸۰).

۳. متربی پیام‌زد که ایمان، به معنای باور قلبی و التزام (میناگر، ۱۳۹۰، ص ۶۸) به هدایت‌های پروردگار است و قوانین الهی همه برای تحول رشدی آدمی است و باید با افزایش معرفت، تصدیقات قلبی و اقرارهای زبانی و عمل به اعضا و جوارح (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۶) خود را بالاتر ببرد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۵) و درصدد برآید تا فعالیت‌هایش جز با انگیزه ارزشمند خدایی صادر نگردد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۳۴) و سه خصلت دین‌شناسی، اندازه و برنامه‌ریزی در زندگی، و شکیبایی بر سختی‌ها و ناملایمات، در او بروز ویژه داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۳۹).

۴. متربی یاد بگیرد در کارها به خدا توکل کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۷) و خدا را قادر مطلق بخواند و به قدرت نامتناهی او تکیه کند و برای انجام کارها، این پشتوانه همیشگی را احساس نماید و با احساس قدرت در انجام کارها و حل مشکلات به پیش رود و هیچ احساس ناتوانی و ترسی در مسیر اقدامات مدبرانه خود به خویش راه ندهد (حر عاملی، ۱۴۱۶، ح ۲۹۲). در آموزه‌های دینی، تأکید بر این است که چون بر کاری تصمیم گیرد بر خدای توکل کند (آل عمران: ۱۵۹) و این اعتماد بر خداوند متعال، باید در جمیع امور باشد (مشکینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵).

۵. متربی خود را در برابر ربّ خویش، در مقام مملوکیّت و مربوبیت قرار دهد (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۱) و نهایت فروتنی و بندگی را دارا شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۰) و برقراری رابطه عبودیت با خداوند را تجسم عملی و عینی خداشناسی و خداجویی و رابطه بنده با خدا و نیل به هدف نهایی خلقت تلقی کند (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۳۷) و به هیچ وجه یاد خدا را فراموش نکند و آداب او را ترک ننماید و از امر و نهی او - که اصلاح‌کننده وی و مایه استواری کارش است - غافل نشود و دلش سخت نگردد (همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۳).

۶. متربی شکرگزار خداوند گردد؛ زیرا سراسر جهان، اعم از آفاق و انفس را نعمت خداوندی دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹). حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: حمد و سپاس سزای خداوندی است که حمد را به

نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکر پیوند زده و به ازای نعمت‌ها حمد را واجب کرده و شکر را سبب فراوانی آنها قرار داده است. بر نعمت‌هایش او را حمد می‌کنیم؛ چنان‌که بر بلایش سپاسگزاریم (رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۱۳). امام رضا<sup>علیه السلام</sup> ادب شکرگزاری نسبت به خدا را به دلیل آموزش داد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۹۶). در تربیت رشدی امام رضا<sup>علیه السلام</sup> بسیار زیاد به تقوا، تواضع و سپاسگزاری خدا سفارش شده (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۳۰) و تشکر از خالق نیز در گرو تشکر از مخلوق دانسته شده است؛ به گونه‌ای که حتی هرکس در قبال خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عزوجل تشکر نکرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴).

۷. معرفت و ایمان متربی رشد یابد و نسبت به تدبیرهای پروردگار احساس رضایت کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۱۵۳) و در برابر حوادثی که به اقتضای تقدیر الهی اتفاق می‌افتد، ناراحتی ابراز نکند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲) و به مقام رضا و تسلیم، به‌عنوان دو رکن مؤثر ایمان برای نیل به کمال حقیقی، نائل آید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱۸).

#### محور دوم: خویشتن

خویشتن آدمی، گوهری گران‌بهاست؛ هر کس آن را خوب نگهداری کند و پرورش دهد، پیامدهای گران‌بهایی برای وی به ارمغان می‌آورد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۲۷). این آثار ارزشمند در سایه توجه به خویشتن و اعمال تربیت بر روی آن با رویکرد تزکیه، حاصل می‌شود.

#### الف. بعد تهذیب

رویکرد تربیتی تزکیه در محور خویشتن، در دو بعد تهذیب و رشد بررسی می‌شود.

تهذیب، رفع موانع رشد و بسترسازی برای پرورش توانمندی‌ها در متربی است. متربی بدون آن نمی‌تواند حرکت فعالی جهت اهداف داشته باشد. امام علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: هرکس به تهذیب نفس خویش نپردازد، از راهبردهای عقل نمی‌تواند بهره‌مند گردد (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۸، ح ۷۲۶۳).

در رویکرد تزکیه مرتبط با تهذیب خویشتن، سعی بر این است که ناتوانی‌ها، ضعف‌ها، تمایل به زشتی‌ها، انحرافات شناختی و فریب‌ها، و طغیان‌گری و منشأهای آنها شناسایی و با آنها مقابله شود و سبک زندگی متربی براساس امور زیر ساماندهی شود:

۱. ضعف اراده متربی از بین برود و قدرت و همت نهفته وی بیدار گردد و موانع حرکت و فعالیت را پشت سر بگذارد و به سرمزمل مقصود راه یابد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۹).

۲. نفسش از علاقه‌مندی به قبايح پاک‌سازی شود و حیا به‌عنوان پایه ایمانی در وی پرورش یابد (همان، ص ۲۶۵) و زمینه‌ساز عملکرد خوب برای او شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۸۶)؛ به گونه‌ای که بجز خیر و خوبی از او صادر نشود (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۵۳).

۳. از اقدام برای فریب مردم پیشگیری شود و بیاموزد که با مسلمان بودن سازگار نیست (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۰)؛ زیرا مکر از صفات شیطان بزرگ است و معصیت آن بیشتر از معصیت اذیت رسانیدن آشکار است؛ چون کسی که مطلع شود بر اینکه دیگری در مقام اذیت اوست، احتیاط می‌کند و از خود محافظت می‌نماید و بسا باشد که دفع اذیت از خود کند؛ اما در مکر غافل، بی‌خبر را احتیاطی از خود نیست (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸).

۴. نفس از طغیانگری پالایش شود و در برابر لذت گناه بردباری نماید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۱)؛ زیرا تا مقاومت در برابر گناه نباشد، آدمی به تباهی کشیده می‌شود (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰) و به رضوان الهی نائل نمی‌آید (زمر: ۱۰). امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر کس بهشت بخواهد و در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها شکیبایی نرورد، بی‌گمان خود را ریشخند کرده است (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۳۰).

۵. از اکل مال به باطل دوری نماید؛ زیرا احکام تابع مصالح و مفاسد است و خداوند هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است، مگر آنکه در آن منفعت و صلاحی بوده؛ و هیچ خوردنی و نوشیدنی را حرام ننموده، مگر آنکه در آن ضرر و مرگ و فساد بوده است. پس هر چیز مفید و مقوی بدن، که باعث تقویت آن شود، حلال شده و هر چیزی مضر یا کشنده برای بدن، حرام است (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۲۵۴).

ب. بعد رشد

در زیر به تعدادی از کاربردهای تربیت تزکیه‌ای در بعد رشد در محور خویشتن، اشاره می‌شود:

۱. در بعد رشدی تربیت تزکیه‌ای، متربی کوشش دارد درک درستی از گرایش‌ها، نیازها، توانمندی‌ها و ضعف‌های خود پیدا کند و فطرتش را با برترین درک و فهم عقلی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۵۲) بازشناسی نماید و به بصیرت نفس نائل آید (ذاریات: ۲۱) و با استکمال معرفت خود، به خدانشناسی راه یابد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۵، ص ۴۵۲) و به قدر و عزت خود پی می‌برد، حدود خود و احتیاجات و مضارّ و منافع خود را می‌یابد و در نتیجه، در زندگی و تحولات آن دچار افراط و تفریط نمی‌گردد (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). امام علی علیه السلام فرمودند: خدا رحمت کند کسی را که قدر خودش را بشناسد و از حد خود تجاوز و تعدی ننماید (رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۰۳).

۲. با تربیت رشدی و فراگیری علم و کسب تجربه، عقل و خرد متربی شکوفا می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۱). پرورش عقل وظیفه است و نباید ظاهرسازی کرد که این اقدام، جهالت و ضد عقل است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴). در پرورش عقل، متربی صدق صادق را از کذب کاذب باز می‌شناسد و پیامبری پیامبر را اثبات می‌کند و کذب مدعی دروغین پیامبری را می‌فهمد (همان، ص ۲۵) و از هدایت‌های دوستانه عقل برخوردار می‌شود؛ برخلاف کسی که عقل خود را نپروراند، با نادانی که دشمن اوست، همراه است (همان، ص ۱۱). همچنین کسی که توانمندی فهم عقلانی خود را ارتقا بخشیده



است، با دیگران به صورت مطلوب روابط عاطفی برقرار می‌کند و دیگران را دوست دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۵۸)؛ در جایی که باید بردبار باشد، بردبار و در جایی که باید سکوت کند، سکوت می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۵) و دیگران به خیر و خوبی او امیدوار می‌شوند و از بدی و شر وی دور می‌مانند (همان، ص ۴۴۳).

۳. در تربیت رشدی تزکیه، فراگیری علوم، فهم عمیق از جهان هستی، دانش‌ها و مسیر کمال، افزایش می‌یابد (همان، ص ۴۴۵). با جست‌وجوگری و پرسش، در راه دستیابی به آنها تلاش می‌کند (فرید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۲) و آن را وظیفه دینی می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰)، و هیچ‌گاه از فراگیری علم خسته نمی‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۳).

۴. جنبه رشدی تزکیه، متربی را بلندهمت می‌سازد؛ زیرا آموزش می‌بیند که همت عالی نشانگر خشنودی خداوند است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷) و بزرگواری و آقایی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۹) و شرف انسان، به همت‌های بلند و نه به استخوان‌های کهنه شده است (همان، ص ۱۱۰) و مسلم می‌داند که با همت بلند و به کارگیری توان خود، به تمام خواسته‌هایش خواهد رسید (همان، ص ۶۳۸).

۵. در تربیت تزکیه‌ای، هر یک از توانمندی‌های مادی و معنوی در محور خویشتن رشد می‌یابند و متربی می‌تواند برای برآوردن همه نیازها، زمینه‌سازی کند؛ چه نیازهای مادی که با حیوان مشترک است و چه نیازهای معنوی که از بعد روحانی انسان سرچشمه می‌گیرند (مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۴). برطرف کردن هر دو نیاز مادی دنیوی و معنوی دینی وظیفه است و نباید دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۳۳۷). امام رضا علیه السلام می‌فرماید: بکوشید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید: زمانی برای مناجات با خدا؛ زمانی برای تأمین معاش؛ زمانی برای معاشرت با برادران و معتمدانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناساند و در دل، شما را دوست دارند؛ و ساعتی برای کسب لذت‌های حلال. با بخش چهارم توانایی انجام دادن سه بخش دیگر را به دست می‌آورید (همان).

۶. متربی در تربیت تزکیه به حدی از رشد می‌رسد که جهت پرورش ارتقایی خویش به محاسبه و مراقبه می‌پردازد. منظور از محاسبه این است که متربی هر روز به محاسبه کارهای خویشتن بپردازد و عملکرد خود را در زمینه خوبی‌ها و بدی‌ها، اطاعت و عصیان، خداپرستی و هواپرستی دقیقاً مورد محاسبه قرار دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خویشتن را محاسبه کنید، پیش از آنکه به حساب شما برسند؛ و ارزش خود را تعیین کنید، پیش از آنکه ارزش شما را تعیین نمایند؛ و برای عرصه بزرگ (روز قیامت) آماده شوید (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۱۳). امام رضا علیه السلام می‌فرماید: آن کسی که خود را محاسبه کند، سود برده؛ و آن کسی که از محاسبه نفس غافل بماند، زیان دیده است (حلی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۲). متربی بعد از حسابرسی، مراقب دل و زبان خویش است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۹۷). متربی که مراقب است قلبش

غفلت نوزد و نفسش به شهوترانی میل نکند و عقلش جهالت نکند و در عملش هواپرستی و در دینش بدعت نفوذ نماید و اموالش به حرام آلوده نگردد، در زمره صالحان است (منسوب به امام صادق علیه السلام، ص ۱۴۰۰، ص ۲۲).

### محور سوم: ارتباط با دیگران

تربیت تزکیه در ارتباط با دیگران نیز در دو بعد تهذیب و رشد، نقش ایفا می‌کند.

#### الف. بعد تهذیب

تربیت تزکیه در ارتباط با دیگران، مرتبی را متنبه می‌سازد که بی‌محتبی، بی‌عدالتی، اذیت، انجام رفتارهای زشت، اهانت و ناسزاگویی به دیگران، برخلاف فطرت و طبیعت اولیه اوست و از این رو می‌کوشد ارتباط خود با دیگران را از آلودگی‌ها و رفتارهای منفی پاک‌سازی نماید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ مثلاً غیبت و عیب‌جویی نداشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۸) و دیگران را از آسیب‌های زبانی، یدی و رفتاری خویش در امان نگه‌دارد (همان، ص ۲۴).

#### ب. بعد رشد

تربیت تزکیه در بعد رشد، ارتباط فرد با دیگر انسان‌ها را به صورت زیر متعالی می‌سازد:

۱. تولی را با محوریت خداوند، درباره دیگر انسان‌ها از ائمه علیهم السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۵۸)، اقوام و خویشان (همان، ج ۱، ص ۲۰۰) و عموم مردم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۳) نیز عملیاتی می‌سازد؛ و تبری می‌جوید از دشمنان خدا و محمد و آل محمد علیهم السلام، و کسانی که با ظلم، پیمان‌شکنی، ارتداد و خوردن مال مردم، مصداق عدوالله می‌شوند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۵).

۲. به تعظیم و تکریم دیگر مؤمنان می‌پردازد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۰). حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که نزد برادر مسلم خود آید و او را اکرام کند، خدای تعالی را اکرام کرده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۳۱).

۳. با دیگران حُسن معاشرت دارد و خوش‌اخلاق (همو، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲) و خوشرو با آنان مواجه می‌شود (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹) و نشست و برخاست خود را با کوچک و بزرگ نیکو می‌گرداند (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۴۰۱) و با خوش‌اخلاقی خویش آزادگان را به خود دلبسته می‌سازد (همان، ص ۳۵۴).

۴. با دیگران با ملاطفت برخورد می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۴۸) و اگر دیگران با عملکردهایشان نسبت به شخص وی رنجشی به وجود آورده‌اند، می‌بخشد و درصدد انتقام بر نمی‌آید؛ بلکه به حدی از رشد معنوی می‌رسد که به او احسان هم می‌نماید؛ زیرا که عفو و گذشت را خداپسندانه می‌داند (شوری: ۴۰)؛ گذشتی که از مراتب عالی تقواست (بقره: ۲۳۷) و به همراه آن، منت‌گذاری، مجازات و تندی و سرزنش نیست (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۰۸) و احساس پیروزی نهایی را در عفو دیگران می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۸).

۵. درصدد شاد کردن دیگران برمی آید (منسوب به امام رضا<sup>علیه السلام</sup>، ۱۴۰۶، ص ۳۳۸). و غم و اندوه دیگران را می‌زداید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۰). نیاز دیگران را در حد توان برآورده می‌سازد (همان، ص ۱۶۴) و برای یاری‌رسانی و رسیدگی به امور مردم و برطرف نمودن حوایج آنان وقت مناسبی را در برنامه خود دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۹).

۶. امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه دینی خود می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶) و به هیچ وجه از آن سرپیچی نمی‌کند (همان، ص ۵۹)؛ بلکه همگان را به خیرها، شایستگی‌ها و نیکی‌ها دعوت کرده، از منکرات و بدی‌ها بازمی‌دارد و بدین طریق زمینه رشد و رستگاری آنان را فراهم می‌سازد (آل عمران: ۱۰۴).

۷. در تربیت تزکیه‌ای، میل فطری کمک به دیگری و احسان (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۸) در متری شکوفا می‌گردد؛ و توجه می‌شود که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد<sup>علیهم السلام</sup>، هیچ عملی شکرآمیز نزد خداوند متعال محبوب‌تر از کمک و احسان به دیگران نیست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۵۵) و اذعان می‌کند که احسان و نیکوکاری، دوام نعمت را به دنبال دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴).

۸. در زمینه اتحاد و همبستگی افراد و گروه‌ها با هم کوشش می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۸)، و محور این اتحاد را اعتصام به جبل‌الهی قرار می‌دهد (آل عمران: ۱۰۳)؛ زیرا که اتحاد بر محور خدا و طاعت رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، باعث رشد و پیشرفت می‌شود (ابن شاذان، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲)؛ و بر اساس سنت الهی، کسانی که در جهت تفرقه و اختلاف جامعه گام بردارند، به‌هیچ‌وجه از خیر و پیشرفت معنوی برخوردار نخواهند شد (رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۷۶).

#### محور چهارم: ارتباط با طبیعت

تربیت تزکیه در ارتباط با طبیعت، نیز، در دو بعد تهذیب و رشد نقش ایفا می‌کند.

#### الف. بعد تهذیب

تربیت تزکیه‌ای در زمینه بعد تهذیبی ارتباط با طبیعت، متری را از افکار نامعقول نسبت به جهان هستی، مانند اینکه طبیعت از خدا جداست و هیچ ربوبیتی نسبت به آن ندارد یا اینکه جهان بی‌پرده آفریده شده و بی‌عدالتی بر آن حاکم است (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۳۵۱) یا اینکه آدمی در ارتباط با آن هیچ مسئولیتی ندارد، مهذب می‌سازد (رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۶۶) و افراد را از مواجهه‌های نادرست با نعمت‌های الهی پرهیز می‌دهد؛ همچون آسیب به محیط زیست؛ زیاده‌خواهی در استفاده از طبیعت؛ تلف کردن مال (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۵۵) و مانع بهره‌مندی دیگران از آن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۷)؛ که هر کدام با اهداف آفرینش در تعارض است (اعرافی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵).

ب. بعد رشد

رویکرد تزکیه در بعد رشدی در ارتباط با طبیعت، بر برقراری رابطه انسان با جهان هستی تأکید دارد؛ از قبیل شناخت هستی به صورت یکپارچه، به گونه‌ای که دنیا و آخرت را دربر بگیرد؛ کشف ارتباط خلق و امر هستی با خدا؛ درک زیبایی‌های هستی؛ هدفمندی هستی؛ دستیابی به قوانین جهان؛ تسخیر جهان؛ عمران طبیعت؛ مسئولیت‌پذیری نسبت به پدیده‌های هستی؛ بهره‌برداری از طبیعت؛ و عدم وابستگی به دنیا.

در زیر به چند کاربرد تزکیه در بعد رشدی اشاره می‌شود:

۱. متری خود را ملزم به شناخت هرچه بیشتر طبیعت و خلق و امر هستی می‌داند؛ زیرا: الف. آن را عبادت تلقی می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۶)؛ ب. شناخت عوامل طبیعی و نظم و قانون حاکم بر آن وی را به سوی شناخت پروردگار جهان رهنمون می‌سازد؛ ج. شناخت طبیعت به طور جزئی و کشف قوانین حاکم بر آن، سبب توانمندی انسان و بالطبع باعث گسترش قدرت و حضور او در طبیعت و بهره‌مندی از آن می‌شود (اعرافی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷).

۲. متری مسئولیتش را نسبت به آباد کردن زمین (رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳) و ساخت‌وساز عمرانی مستحکم و بادوام (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵) انجام می‌دهد و آن را وظیفه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۳) و جهاد در راه خدا تلقی می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۰۸)، خود را محبوب خدا می‌سازد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۸۵). همچنین وی را به مسئولیتش نسبت به آنچه هست، از امکنه، جنگل‌ها، حیوانات و مانند آن رهنمون می‌سازد (رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۶۶).

۳. تربیت تزکیه‌ای به بهره‌برداری صحیح انسان از طبیعت و امکانات و نعمت‌های فراوانی که خدا در جهت رشد همه‌جانبه افراد و جامعه انسانی آفریده است (بقره: ۲۹)، می‌انجامد؛ و سبب می‌شود انسان‌ها زمین را که مادری بی‌نهایت مولد است، حفظ کنند و در جهت استخراج و استکشاف منابع و معادن و افزایش تولیدات کشاورزی، دامداری و صنعت، تمام کوشش خود را به کار گیرند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۹۷).

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک زندگی اسلامی، الگوی خاصی از زندگی مبتنی بر معنویت و هدایت الهی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳) که در چهار محور ارتباطی فرد با خدا، خود، جامعه و نظام هستی شکل می‌گیرد.

رویکرد تربیتی اسلام، تزکیه است که مبتنی بر خواسته‌های فطری و اسلوبی برای تأمین آنهاست و متریان را به سبک زندگی اسلامی می‌کشاند.

تزکیه به عنوان رویکرد تربیتی، دارای دو بعد تهذیب و رشد است که سبک زندگی فرد را با خدا، خود، دیگر انسان‌ها و جهان هستی سامان می‌دهد؛ و در این راستا، شخصیت آدمی در جنبه‌های مختلف معنوی، عاطفی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارتقا می‌یابد و به سعادت جاوید منتهی می‌شود. این بدین معناست که انسان‌ها می‌توانند با تزکیه و توأم ساختن پیرایش و آراستگی و به کارگیری آنها در جنبه‌های چهارگانه زندگی، پیوند خود را با خدای خویش استوار سازند و استعداد‌های خود را پرورش دهند تا در برابر حق خضوع و خشوع داشته باشند و به جلب رضای پروردگار همت گمارند و همواره از سبک زندگی مطلوبی با هم‌نوعان خود برخوردار شوند و رابطه خود را با هستی واقع‌بینانه کنند تا در راستای تحقق اهداف خلقت و نیل به قرب الهی، از مواهب پروردگار بهره‌مند گردند (داودی، ۱۳۹۶، ص ۶۰)؛ و به تعبیری تزکیه در سلامت‌بخشی به روح و جان آدمی و تغییر اساسی در تمایلات بیمارگونه به تمایلات سالم و طبیعی، و رشد و بالندگی در تشخیص و تمییز و معرفت‌افزایی، نقش اساسی دارد.

متربی در بعد تهذیب مرتبط با محور ارتباط با خدا، غفلت‌زدایی می‌کند؛ عصیان‌ناپذیر می‌شود و از گناه می‌پرهیزد؛ و در بعد رشد، شناخت‌های فطری‌اش نسبت به خدا و صفات او ارتقا می‌یابد؛ در آیات تکوینی الهی تفکر می‌کند و باور قلبی و التزامش به قوانین الهی، توکل، بندگی، شکر و رضایتش نسبت به تدبیرهای الهی، افزایش می‌یابد.

متربی در بعد تهذیب مرتبط با محور خویشتن، ضعف اراده، علاقه‌مندی به رفتارهای ضداخلاقی، طغیانگری، فریب مردم، حرام‌خواری و مانند آن را از خود می‌زداید؛ و در بعد رشد، به بازشناسی و بازسازی فطرت، فراگیری علم و تجربه، ازدیاد عقل و برآوردن نیازهای طبیعی به صورت مطلوب و نظارت بر حسن انجام کارهایش اقدام می‌کند.

در بعد تهذیب مرتبط با محور ارتباط با دیگران، متربی از بی‌محبتی، ظلم، اهانت، ناسزاگویی و همه رفتارهای ضداخلاقی نسبت به افراد دیگر پرهیز دارد؛ و در بعد رشد، در زمینه تسری دادن تولی و تیری به گستره افراد بشر با محوریت خداوند، تکریم و احترام، حسن معاشرت، ملاحظت، شاد کردن، دعوت به شایستگی‌ها و همبستگی مردم تلاش می‌کند.

در بعد تهذیب مرتبط با محور ارتباط با طبیعت نیز متربی وجود خویش را از افکار غیرعقلانی در ارتباط با هستی و مخلوقات خداوند، تخریب و آسیب به طبیعت، و مانع شدن از بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب طبیعی منزه می‌سازد؛ و در بعد رشد، از شناخت بهتر طبیعت و جهان هستی و مسئولیتش درباره عمران طبیعت و بهره‌برداری صحیح و به اندازه از نعمت‌های الهی برخوردار می‌گردد.

کاربرد تزکیه در دو بعد تهذیب و رشد در محورهای چهارگانه سبک زندگی، در نمودار زیر قابل مشاهده است.

### خدا

- **بعد تهذیبی:** غفلت زدایی، پرهیز از عصیان و توبه از گناه
- **بعد رشدی:** معرفت افزایی نسبت به خدا، رشد اندیشه ورزی و عقلانیت، پرورش ایمان، توکل و اعتماد به خدا، عمق بخشی به فروتنی و بندگی، شکر و سپاس، رضایت و تسلیم نسبت به تدبیرات الهی

### خویش

- **بعد تهذیبی:** زدودن ضعف ها و موانع، مقابله با تمایلات قبیح، پالایش از طغیان گری و معصیت، دوری از حرام خواری
- **بعد رشدی:** خودشناسی، شکوفاسازی عقل، پرورش حقیقت جوئی، بلندهمتی، بسترسازی برای رسیدن به خواسته هلو رفع نیازها، حسابرسی و نظارت بر عملکردها

### دیگران

- **بعد تهذیبی:** پرهیز از عملکردهای منفی چون بی محبتی، ستمگری، رفتارهای زشت، اهانت و ناسزاگویی، غیبت، تهمت.
- **بعد رشدی:** عملیاتی ساختن تولی نسبت به دیگران بر محوریت خداوند، تکریم مؤمنان، حسن معاشرت، عفو، شادکردن دیگران، امر به معروف و نهی از منکر، احسان، اتحاد و همبستگی اجتماعی

### طبیعت

- **بعد تهذیبی:** زدودن افکار نامعقول نسبت به هستی مانند بیهودگی نظام آفرینش، حاکمیت بی عدالتی در آن، عدم احساس مسئولیت نسبت به طبیعت، مواجهه های نادرست با نعمت های الهی مانند آسیب به محیط زیست، زیاده خواهی تلف کردن و به هدر دادن اموال، ایجاد مانعیت از بهره مندی دیگران
- **بعد رشدی:** شناخت خلق و امر هستی، طبیعت شناسی، پذیرش مسئولیت برای عمران زمین، ساخت و ساز مستحکم و بادوام، حفاظت محیط زیست، استکشاف و استخراج معادن، بهره مندی از مواهب، افزایش تولیدات کشاورزی، دامداری و صنعت

با توجه به نقش بسیار مهم رویکرد تزکیه در سبک زندگی و در همه مراحل حیات بشری، به‌ویژه مراحل کودکی و نوجوانی، پیشنهاد می‌شود: چگونگی عملیاتی کردن رویکرد تزکیه متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان برای هر مقطع تحصیلی تدوین شود؛ به گونه‌ای که نقش هر یک از اولیای مدرسه، اعم از مدیر، ناظم و معلمان نیز مشخص گردد.

## منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۶، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، قم، سپهر نوین.
- آریان پور، منوچهر، ۱۳۸۹، *فرهنگ پیشرو*، تهران، جهان رایانه امین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- \_\_\_\_، ۱۳۷۸، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان.
- \_\_\_\_، ۱۳۸۰، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_، ۱۴۰۶ق، *ثواب الاعمال*، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
- \_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شاذان، ابوالفضل، ۱۳۶۳، *الفضائل*، قم، رضی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، کتابفروشی اسلامیة.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۶، *محاسبه النفس*، تهران، مرتضوی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی و ابوجعفری، مهدی، ۱۳۸۶، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.
- اکبری، مدینه، ۱۳۹۱، *اخلاق امام رضا از نگاه روایات*، مجموعه مقالات جشنواره بین المللی امام رضا (معارف و اعتقادات در فرهنگ رضوی)، ص ۱۴۹-۱۷۶.
- باقری، خسرو، ۱۳۹۰، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۴۱۶ق، *المحاسن*، چ دوم، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
- پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *عمر الحکم و درر الکلم*، شرح: محمدتقی خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_، ۱۴۱۰ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *مراحل اخلاق در قرآن کریم*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتب الاسلامیه.
- حلی، رضی الدین، ۱۴۰۸ق، *العدد القویه*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- داودی، محمد، ۱۳۹۶، «جایگاه و نقش تزکیه در گفتمان‌های تربیتی» (گفتمان سعادت، گفتمان سلامت، گفتمان ریاضت و گفتمان قرآنی)، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۴، ص ۶۶-۴۱.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *اعلام الدین*، قم، مؤسسه آل البیت.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۶۳، *المفردات*، تهران، کتاب.
- رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه*، ترجمه: صبحی صالح، قم، هجرت.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۲، *اهمیت سبک زندگی در سیره و سخن اهل بیت*، ویژه‌نامه سبک زندگی اهل بیت، ش ۱، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، بیدار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵، *مشکاة الأنوار*، نجف، مکتبه حیدریه.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی.

عبادی، احمد، ۱۳۹۵، «ترسیم الگوی روش شناختی مطالعه دینی بر مبنای مفهوم شناسایی روی آورد، روش و پارادایم»، *قبسات*، دوره ۲۱، ش ۸۲، ص ۲۱-۴۸.

فرید، مرتضی، ۱۳۷۲، *الحديث*، تهران، فرهنگ اسلامی.

فیض کاشانی، محسن، ۱۴۰۲ق، *المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.

کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، ۱۳۸۷، *مصباح الشریعه*، تهران، پیام حق.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱، *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.

مشکانی سبزواری، عباسعلی؛ صولتی، یاسر و بیاتی، احمدعلی، ۱۳۹۲، «چیستی و جایگاه سبک زندگی در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *معرفت*، ش ۱۸۵، ص ۶۵-۸۳.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، قم، صدرا.

\_\_\_\_\_، بی تا، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۸۵، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱، بیانات در جمع جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، *فقه منسوب الی الامام الرضا علیه السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.*

منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، بیروت، اعلمی.

مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۹۰، *دین و سبک زندگی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

میناگر، عبدالرضا، ۱۳۹۰، *اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، ابتکار دانش.

نراقی، احمد، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، قم، هجرت.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *معراج السعاده*، قم، طوبای محبت.